

اصول عملیه

۱

صرفاً راه گشا هستند در هنگام شک هستند

البته این اصول رافع شک شما هم نخواهد بود و چنین ادعایی هم ندارد

اصول لفظیه

۲

واقع نما هستند یعنی فرض آن است که این اصول رافع شک هستند و ظن آور می باشند.

البته حجیت ظن حاصل از آنها توسط عرف عقلا ثابت است.

و لذا اصول لفظیه، اماره هستند و به همین دلیل مثبتات آنها حجت است

نکته

تفاوت
اصول
لفظیه و
اصول
عملیه

تعریف اصالة الاستعمال

استعمال علامت حقیقت است یعنی :

استعمال باعث می شود که ظن به حقیقت بودن معنی پیدا کنیم و به این می گوئیم اصالة

الاستعمال یا اصالة الحقيقة

مخالفین : مرحوم آخوند و مرحوم امام اصالة الحقيقة می گویند تنها در تشخیص مراد جاری می

شود و نه در تشخیص حقیقت و مجاز

موافقین : سید مرتضی - علی ما نقل - اصالة الحقيقة را در شناخت حقیقت و مجاز هم جاری می

دانست

سید مرتضی : در چنین جایی می‌گوییم استعمال دلالت بر **حقیقت** دارد

ابن جنی و منسوب به فخر المحققین : استعمال دلالت بر **مجاز** دارد
دلیل : اغلب لغت عرب، مجاز است و مظنون به اعم اغلب ملحق می‌شود.

تفصیل :

الف. یک لفظ و **یک معنی** داریم : استعمال علامت **حقیقت** است

چراکه : مجاز مستلزم حقیقت است

ب. یک لفظ و **چند معنی** داریم : استعمال علامت **مجاز** است

چراکه مجاز بهتر است از اشتراک

مشهور : وقف مطلقاً؛ چراکه استعمال دلالت بر حقیقت ندارد

اشاره به

اقوال

چهارگانه

در کلام

قزوینی

تفصیل :

الف. یک لفظ و **یک معنی** داریم : استعمال علامت **حقیقت** است
 ب. یک لفظ و **چند معنی** داریم : باید **توقف** کرد

قول پنجم
 (که ما اضافه
 می کنیم)

ادعای اجماع بر تحقق معنای حقیقی

بسیاری از جمله علامه و سید مرتضی بر تحقق معنای حقیقی از چنین استعمالی ادعای اجماع کرده اند

دلیل :

دیگر بر این دلالت، روش اهل لغت است

کلام صاحب

هدایة

المسترشدین

یک لفظ
و
چند معنی

در نظر مشهور، صرف استعمال علامت حقیقت نیست!

اگرچه احتمال می دهیم که لغت در همه معانی - یا در بیش از یک معنی - حقیقت باشد!

همین قول صحیح است

دلیل اول: قدر متیقن همان یک معنی است و در مازاد بر آن، اصل، عدم وضع است.
دلیل دوم: بر اینکه مجاز بیشتر از اشتراک لفظی و دارای مؤنه کمتری است و مشهور هم در دوران بین مجاز و اشتراک، مجاز را ترجیح می دهند

کلام مرحوم
اصفهانی

یک لفظ
و
چند معنی

نکته:

آیا سید مرتضی

«استعمال» را علامت حقیقت می‌داند؟

دومین علامت :

اگر اهل لغت، لفظی را استعمال کردند و دلیلی بر ارتکاب مجاز یا استعاره نیاوردند :
در این صورت : معنی برای آن لفظ حقیقت است

و لذا گفته اند:

ظاهر استعمال لغتی در معنایی، توسط اهل لغت، دلیل بر حقیقت آن معنی است
مگر اینکه دلیلی ما را از این اصل بازگرداند

کلام

سید مرتضی

ان قلت :

کلام سید مرتضی در خصوص «استعمالات اهل لغت» است نه «هر استعمالی»!

قلت:

این استظهار با توجه به عبارت های دیگر سید مرتضی مردود است

ما می گوئیم:

مراد سید مرتضی جایی است که:

لفظ استعمال می شود و معنایی به ذهن خطور می کند
و یقین داریم هیچ قرینه ای در کار نیست

برداشت

مرحوم

قزوینی از

کلام سید

مرتضی

دلیل:

ایشان «لا یدلونا علی انهم متجاوزون» را به معنای آن دانسته که:
آنها قرینه نگذاشته اند و ما هم یقین داریم قرینه ای نیست

توجه به عبارت دیگر سید، اصلاً چنین جایی مدّ نظر ایشان نیست.

مراد ایشان: «لفظ استعمال می شود و معنایی به ذهن خطور می کند و نمی دانیم آیا
این معنی مستند به قرینه است - قرینه حالیه ام مقالیه - یا نه؟»

ما می گوئیم:

- لفظی استعمال شد و ما معنایی از آن فهمیدیم

- قرینه ای ظاهر نبود و لو اینکه واقعاً بوده باشد

- شک داریم که آیا قرینه ای از قرائن عامّه در میان بوده است؟

- ظن نوعی به اینکه، این معنی حقیقی است، حاصل می شود

- این ظن به بنای عقلا حجت است و این از اصول لفظیه است

استدلال

موافقین نظر

سید مرتضی

اصالة الحقيقة در **لسان مشهور** به یکی از دو معنی است:

الف. از **صغریات اصالة الظهور** است
اگر کلامی را دیدیم، و مراد را نمی شناسیم معنای حقیقی ظاهر است

ب. اصالة الحقيقة **تعبدی** است
اگر کلامی را دیدیم و مراد را نمی شناسیم و با این حال معنای حقیقی هم ظهور ندارد، بنای عقلای گوید معنای حقیقی مراد است

تفاوت

نظر

سید مرتضی

با

اصالة الحقيقة

استناد موافقین به **عمل اهل عرف** در شناخت معانی حقیقی است.
کما اینکه اهل لغت برای شناخت حقیقت از همین روش استفاده می کنند

اطرادی که در کلام مرحوم خوئی مطرح بود:
تکمیل کننده ظن حاصل از چنین استعمالی است

دو نکته

دو صورت دارد:

الف. اگر استعمال **متعدد** باشد:

باعث اطمینان و یا لا اقل از ظن (که از زمره اصول لفظیه عقلایی است) می شود

بررسی نهایی

ب. اگر استعمال **واحد** باشد:

ممکن است با توجه به عملکرد اهل لغت آن را پذیرفت